دیدگاه

گفتاری از استاد حسن رحیم پور ازغدی

آمریکایی که ما شناختیم

آن چه در پی می آید، فرازهایی از سخنرانی استاد حسن رحیم پور ازغدی در دانشگاه صنعتی شریف و به مناسبت فرا رسیدن سالروز ۱۳ آبان است که در سال ۱۳۹۸ ایراد و توسط پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب منتشر شده است. وی در این سخنرانی به ابعاد مختلفی از دخالت آمریکا در کشور ما و ریشه‌های بی‌اعتمادی ایرانیان به دولت ایالات متحده پرداخته است.

مبارزه ملت ایران علیه آمریکا در این شصت، هفتاد سال گذشته و از سال ۳۲ تا امروز، یک مبارزه بی دلیل و بدون پشتوانه نبوده است. جنایاتی که غربی ها و به‌ویژه انگلیسی ها در دویست سال گذشته در حق ملت ایران کرده‌اند، یکی دو تا نیست. یک ملت را تا اعماق وجودش به دست ارتش‌های اشغالگر غربی و به‌طور خاص انگلیس تحقیر و غارت کردند. بعد که آمریکایی ها از سال ۳۲ حاکمیت را به‌تدریج قبضه کردند، آن جنایات مضاعف شد. شما و نسل جوان چون نه رژیم شاه را دیده‌اید، نه آمریکایی‌ها و نه انگلیسی‌ها را دیده‌اید در ایران، صرفاً یک ارتباط ذهنی و رسانه‌ای ممکن است با این مباحث داشته باشید. آمریکای شما، آمریکای هالیوود است. آمریکای ما آمریکایی بود که این جا آموزش می‌داد به شکنجه‌گران ساواک که چه‌جور سوزن زیر ناخن و چه‌جور زنان و مردان مبارز و مجاهد را کباب کنند. ده‌ها نفر از بچه‌های همین دانشگاه شما، دانشگاه صنعتی شریف که دانشگاه صنعتی آریامهر بود، در دهه پنجاه، زیر شکنجه‌هایی رفتند که تحت نظارت آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها انجام می‌شد. [درباره تعیین] فرماندهان ارتش و رؤسای رادیو تلویزیون و دانشگاه‌ها، سفارت آمریکا باید نظر می‌داد. سفرای ایران، وزیرهایش، وکیل‌هایش و همه را باید آمریکا اجازه می‌داد. به‌حدی که حتی به شاه هم دیگر محل خیلی نمی‌گذاشتند. مادر شاه در خاطراتش نوشته یک روز دیدم شاه خیلی حالش خراب است. پرسیدم چه شده؟ گفت من که هرچه آمریکایی‌ها می‌گویند، گوش می‌کنم، پس چرا باز مرا این‌قدر تحقیر می‌کنند!؟ پرسیدم باز چه شده؟ گفت الان فهمیده‌ام که مدت‌هاست نیروی هوایی ما و هواپیماهای ما را تحت فرمان آمریکایی‌ها، می‌فرستند ویتنامی‌ها را بمباران می‌کنند و حتی به من اطلاع نمی‌دهند! یا وقتی چریک‌های چپ در منطقه ظُفار عمان قیام کرده بودند علیه حکومت انگلیسی عمان و نتوانستند سرکوب‌شان کنند، انگلیس و آمریکا دستور دادند که ارتش ایران برود آن‌جا. نیروی هوایی و یگان‌های ویژه ارتش ایران رفتند و سرکوب کردند چریک‌های چپ ظُفار عمان و یمن جنوبی را به نفع انگلیس و آمریکا. هواپیماهای ایران را می‌فرستادند ویتنامی‌ها را بمباران می‌کردند به نفع آمریکا با پول ملت ایران. اسرائیل با رژیم‌های عربی جنگید و پیروز هم شد، ولی برای این که نفت اسرائیل مدتی قطع شد، سریع به شاه دستور دادند و شاه اعلام کرد نفت مُفت به اسرائیل می‌دهد. چندتا هواپیمای اسرائیل سقوط کرد و ایران چند برابر هواپیما هدیه داد مجانی به رژیم اسرائیل. یعنی کمک‌شان می‌کرد در جنگ. موارد دیگری هم بود مثل دخالت در عراق آن موقع و علیه چپ‌ها. آن‌ها آن موقع به اسرائیل کمک می‌کردند و عیبی نداشت، اما الان اگر ما به فلسطینی‌ها کمک کنیم اشکال دارد! شما که نه انقلاب را دیده‌اید و نه جنگ را، نه شاه را و نه امام را، شما شصت هفتاد هزار مستشار آمریکایی را که ندیده‌اید در ایران. مستشاران انگلیسی و اسرائیلی‌ها را شما ندیده‌اید که این جا مثل ارباب راه می‌رفتند و مقامات ایران مثل نوکر دنبال‌شان می‌دویدند.

خراسان در سالروز «انقلاب دوم» بررسی می کند:

اگر دانشجویان لانه جاسوسی را تسخیر نمی‌کردند، چه می‌شد؟

گفت‌وگو با دکتر جواد منصوری و دکتر مسعود رضایی درباره اقدامات ضدایرانی سفارت آمریکا در تهران، بین ۱۳ آبان ۵۷ تا ۱۳ آبان ۵۸ و تأثیری که تسخیر لانه جاسوسی در بی‌اثر کردن این فعالیت‌ها داشت

نوائیان / حلاجیان – بین ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، ایران شاهد وقایع متعدد، مهم و تأثیرگذاری است؛ جریان انقلاب اسلامی که پس از واقعه ۱۷ شهریور، وارد مرحله جدیدی شده، شتاب مضاعفی پیدا می‌کند. سرعت وقوع رویدادها آن‌قدر زیاد است که قدرت پیش‌بینی را از قدرتمندترین نهادهای اطلاعاتی جهان می‌گیرد؛ آن‌ها نمی‌توانند قریب‌الوقوع بودن پیروزی انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کنند؛ سفارت آمریکا هنوز امیدوار است که بتواند شاه را نگه دارد؛ مأموران سیا وضعیت محمدرضا پهلوی را باثبات توصیف می‌کنند؛ اما وقتی بعد از کشتار گسترده مقابل دانشگاه تهران در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ و در پی آن، آغاز ماه محرم و تداوم اعتراضات، حجم مخالفت‌ها با رژیم پهلوی از نقطه قابل کنترل عبور می‌کند و شاه، رسما وادار به عقب‌نشینی می‌شود، شک و تردیدهایی درباره صحت آن‌چه پیشتر ادعا شده بود، به وجود می‌آید. ۱۴ دی‌ماه سال ۱۳۵۷، ژنرال هایزر وارد ایران می‌شود تا ارتش را برای یک کودتای گسترده و کشتار میلیونی مخالفان آماده کند، اما این کار عملاً امکان ندارد. شاه در ۲۶ دی‌ماه از ایران می‌گریزد و سفارت ایالات متحده، بیمناک از شرایط تداوم حضورش در ایران، تا آخرین لحظات از بقای رژیم سلطنتی دفاع می‌کند؛ اما در ۲۲ بهمن، آخرین میخ بر تابوت رژیم پهلوی کوبیده می‌شود، انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد و حالا، سفارت ایالات متحده در تهران، باید به دنبال برنامه جدید خود در ایران بدون شاه باشد؛ اما آیا برقراری ارتباط با دولت جدید ایران امکان دارد؟ آیا آمریکایی‌ها می‌توانند نفوذ و منافع گسترده خود را در ایران حفظ کنند؟ آیا شرایط موجود در کشور، می‌تواند خواسته‌های کاخ سفید را محقق کند؟ کدام گروه‌ها قابل سرمایه‌گذاری هستند؟ کدام جریان‌ها می‌توانند آب را به آسیاب سفارت بریزند؟ این‌ها همه مسائلی است که پیش روی مستأجران کاخ سفید قرار دارد؛ کارتر و مشاورانش باید بتوانند از این آب گِل‌آلود ماهی بگیرند. اما یک اتفاق، همه چیز را متوقف می‌کند؛ روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، درست در سالگرد آن کشتار وحشیانه و گسترده که شتاب مضاعفی به روند انقلاب داد، دانشجویان در اعتراض به قبول شاه در آمریکا و تأکید بر پس دادن وی به ایران برای محاکمه، مقابل سفارت آمریکا تجمع کردند و ساعتی بعد، جایی که به لانه جاسوسی شهرت داشت، توسط آن‌ها تسخیر و همه چیز به‌یک‌باره دستخوش تغییر شد؛ درک این موضوع، بدون آگاهی از شرایط آن روزگار و پشت پرده رفتارهای سفارت آمریکا در تهران، ممکن نیست. امروز، در سالروز واقعه ۱۳ آبان، که در آن دو رویداد مهم تاریخ انقلاب اسلامی رقم خورده است، برای دانستن بیشتر درباره آن‌چه مورد اشاره قرار گرفت، به سراغ دو کارشناس رفته‌ایم؛ دکتر جواد منصوری، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آبان ۱۳۵۸ و دکتر مسعود رضایی، مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده کتاب «سیاست و تاریخ معاصر ایران».

■ ۱۳ آبان ۵۷؛ نقطه عطف انقلاب

بحث را با واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و شهادت جمع کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان، مقابل دانشگاه تهران آغاز می‌کنیم. مسعود رضایی، این واقعه را بخشی از مسیر کلی آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند؛ او می‌گوید: «در آبان ۵۷، تظاهرات و اعتراضات به اقدامات رژیم پهلوی افزایش یافت و اصلاً جنبه عمومی به خودش گرفت. همه مردم، از هر طبقه و گروه، وارد مبارزه شده‌بودند و تقریباً تمام جریان‌های سیاسی به این باور رسیدند که اصلاح و تغییر در رژیم پهلوی امکان ندارد. ورود دانش‌آموزان به این عرصه، درواقع بر بستر همان مسیر کلی صورت گرفت؛ اما وضعیت ویژه آن‌ها، یعنی جوانی و سن کم و شهادت مظلومانه آن‌ها مقابل دانشگاه تهران، تأثیر عمیقی بر اعتراضات گذاشت و بر حجم و گستره آن‌ها افزود.» وی می‌افزاید: «رژیم پهلوی و حامیان او بعد از این کشتار وحشیانه به این نتیجه رسیدند که سیاست مشت آهنین قادر نیست مردم را از جبهه مبارزه خارج کند.»

> دکتر رضایی: وقتی آمریکا نتوانست رژیم پهلوی را حفظ کند و با حقیقت سقوط آن مواجه شد، پلان یا نقشه دوم خود را اجرایی کرد. تسخیر لانه جاسوسی، تمام برنامه‌های ضدایرانی آمریکایی‌ها را به‌هم ریخت و مرکزیتی را که می‌توانست حتی محور شکل‌گیری یک کودتا باشد، از بین برد؛ فعالیت جریان برانداز را که با حمایت و برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها دست به اقدامات خرابکارانه و ضدملی می‌زد، با چالش جدی روبه‌رو کرد

جواد منصوری دیدگاهی مشابه مسعود رضایی دارد؛ او می‌گوید: «واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷، در واقع به معنای عدم مشروعیت و مقبولیت رژیم پهلوی در میان مردم بود؛ چرا که حتی نوجوانان نیز دیگر حاضر به تحمل این رژیم نبودند و برای ساقط کردن آن تا پای جانشان ایستادند.» منصوری تصریح می‌کند: «شاه به این باور رسیده بود که باید در کشور کشتار به راه بیندازد تا مردم را وادار به عقب‌نشینی کند؛ اما این اقدام نتیجه عکس داد؛ این خود شاه بود که چند روز بعد از واقعه ۱۳ آبان، رسماً و در قالب بیانیه‌ای، اعلام کرد که انقلاب ایران در حال پیروزی است و به‌صراحت آن را انقلاب مردم نامید و مدعی شد که این انقلاب را درک کرده‌است؛ اما عموم ملت ایران، با آن کارنامه سیاهی که رژیم پهلوی داشت، این اقدام را یک فریب سیاسی و ناشی از ضعف محمدرضا پهلوی دانستند؛ موضوعی که البته کاملاً صحت داشت. آغاز ماه محرم، مدتی بعد از این رویداد و خب، بالا گرفتن احساسات شهادت‌طلبی در جامعه، بر حجم تأثیر واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ افزود و در واقع باعث بالا گرفتن اعتراضات و گسترش سریع آن‌ها در کشور شد.»

■ چگونه به ۱۳ آبان ۵۸ رسیدیم؟

از واقعه ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ و رویدادهای پس از آن که به پیروزی قاطع مردم در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید، عبور می‌کنیم و به رویدادهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسیم؛ یک سال بعد از آن کشتار وحشیانه، ماجرای تسخیر لانه جاسوسی اتفاق افتاد؛ چرا چنین شد و آمریکایی‌ها نتوانستند در ایرانِ بعد از پیروزی انقلاب، دوام بیاورند؟ جواد منصوری دلایل متعددی را برای بروز این وضعیت بیان می‌کند و می‌گوید: «در سال ۱۳۵۸ و ماه‌های منتهی به تسخیر لانه جاسوسی، سفارت آمریکا علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی به‌شدت فعال شد؛ جریان تجزیه‌طلبی را فعال کردند و قرار بر این بود که ایران، به هشت قسمت تجزیه شود. از آن طرف دولتی امور کشور را به دست داشت که اصولاً به انقلاب اسلامی اعتقاد جدی نداشت و به نظر من، اگر به عملکرد ۹ ماهه آن نگاه کنیم، می‌بینیم که آشکارا با نهادهای وابسته به انقلاب هم مخالفت می‌کند.» مسعود رضایی در این باره به وجود «پلان دوم» معتقد است؛ او می‌گوید: «وقتی آمریکا نتوانست رژیم پهلوی را حفظ کند و با حقیقت سقوط آن مواجه شد، پلان یا نقشه دوم خود را اجرایی کرد و آن، ارتباط برقرار کردن با افرادی در حاکمیت جدید بود تا بتواند از طریق آن‌ها، نفوذ و منافع خود را در ایران حفظ کند. یکی از مهم‌ترین این افراد، مرحوم مهندس مهدی بازرگان بود که ریاست دولت موقت را هم برعهده داشت. او و طیفی از همفکرانش، اگرچه افرادی مسلمان و دارای سوابق مبارزاتی و حتی زندان در دوره پهلوی بودند، اما به مسئله ارتباط با آمریکا، نگاه متفاوتی نسبت به دیدگاه امام(ره) و مردم ایران داشتند. باور آن‌ها این بود که می‌توانند با آمریکا ارتباطی سالم داشته باشند.» از رضایی می‌پرسیم که دلیل و ریشه این باور چه بود؟ او پاسخ می‌دهد: «به نظر من این رویکرد، ریشه در فقدان شناخت دقیق و درست از دولت آمریکا داشت. این باور چنان در آن‌ها نهادینه بود که حتی تا چندماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر مستشاری آمریکا را در ارتش، برقرار نگه داشتند و تا زمانی که با اعتراض آیت‌ا... خامنه‌ای و دکتر چمران، ناچار به بستن این دفتر و خواستن عذر مستشاران آمریکایی نشدند، این‌ها همچنان در بدنه ارتش حضور داشتند و فعال بودند. به اعتقاد من، مرحوم بازرگان گرفتار یک خوش‌بینی ساده‌لوحانه نسبت به آمریکا بود. این وضعیت دست آمریکایی‌ها را برای اجرای برنامه‌های براندازانه در بسیاری از بخش‌های کشور بازگذاشت و وقتی از آن طرف محدود شدند، از جای دیگری فعالیت خود را پی گرفتند.» احتمالاً اشاره دکتر رضایی به اقداماتی نظیر حمایت از تجزیه‌طلبان از سوی سفارت آمریکاست که جواد منصوری به آن اشاره کرد. رضایی تصریح می‌کند: «آمریکایی‌ها با توجه به ضربه‌ای که خوردند، آشکارا به دنبال ضربه‌زدن بودند؛ از گروه‌های ضدانقلاب حمایت می‌کردند و زمینه حضور نیروهای معاند در مرزهای جمهوری اسلامی ایران، توسط آن‌ها فراهم شد.»

■ تأثیر تسخیر لانه جاسوسی

سوال بعدی و شاید سوال اصلی ما این باشد که تسخیر لانه جاسوسی چه تأثیری بر این روند گذاشت؟ مسعود رضایی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «تسخیر لانه جاسوسی، تمام برنامه‌های ضدایرانی آمریکایی‌ها را به‌هم ریخت و مرکزیتی را که می‌توانست حتی محور شکل‌گیری یک کودتا باشد، از بین برد؛ فعالیت جریان برانداز را که با حمایت و برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها دست به اقدامات خرابکارانه و ضدملی می‌زد، با چالش جدی روبه‌رو کرد. دلیل حمایت حضرت امام(ره) از این اقدام نیز، همین بود.» جواد منصوری در این باره توضیحات بیشتری می‌دهد. او می‌گوید: «اخیراً یک پژوهشگر آمریکایی، ضمن بررسی تحولات قرن بیستم، انقلاب اسلامی ایران و تسخیر لانه جاسوسی را سرآغاز یک دوران جدید در تاریخ معاصر دانسته‌است. به نظر من این تحلیل درستی است. تسخیر لانه جاسوسی، اقدامی نبود که فقط در راستای اعتراض به برخی سیاست‌ها انجام گرفته باشد؛ این اقدام، اعتراضی صریح و بی‌واهمه به ساختار سلطه بین‌المللی و تفکرات استعماری آن بود. ما با این اقدام نشان دادیم و به همه دنیا اعلام کردیم که برای خوشایند هیچ قدرت استعماری، حاضر به سازش و پذیرش ذلت نیستیم. در آن مقطع، این اقدام، چنین پیامی را به سراسر دنیا مخابره می‌کرد.»

■ خاطره‌ای از آن روز پرالتهاب

جواد منصوری که در آن روزها، مسئولیت حساس فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشته‌است، خاطرات کمترشنیده‌شده‌ای را هم برای ما، درباره واقعه تسخیر لانه جاسوسی نقل می‌کند و می‌گوید: «من از قبل و به واسطه ارتباط با دانشجویان و فعالان انقلاب، در جریان این اقدام قرار داشتم. روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، بسیار نگران عاقبت ماجرا بودم، چون اگر کار به خوبی انجام نمی‌شد، معلوم نبود چه پیامدهایی داشته‌باشد. در آن لحظات پرالتهاب، من در ستاد مرکزی سپاه حاضر شدم و لحظه به لحظه در جریان ماوقع قرار می‌گرفتم. وقتی دانشجویان وارد سفارت شدند و کار به خوبی پایان یافت، انگار باری را از روی دوشم برداشته بودند. بیشتر نگران این بودم که مأموران آمریکایی و مسلح سفارت، دست به تیراندازی بزنند؛ اما آن‌ها جرئت نکرده بودند این کار را انجام بدهند. دقایقی بعد از انتشار خبر، چندنفر از مقامات دولت موقت با من تماس گرفتند؛ لحن آن‌ها اصلاً دوستانه نبود؛ به شدت معترض بودند و می‌خواستند که من بچه‌های سپاه را بفرستم تا دانشجوها را از سفارت بیرون کنند. گفتم: این کار را نمی‌کنم، اگر می‌خواهید به شهربانی بگویید این کار را انجام دهد. فردی که تماس گرفته بود، گفت: شما می‌دانید که شهربانی نمی‌تواند با مردم طرف شود! گفتم: وقتی شهربانی نمی‌تواند، سپاه می‌تواند؟! وقتی دیدند نتیجه نمی‌گیرند، اعتراضشان را نزد امام(ره) برده بودند که بله! سپاه با ما همکاری نکرده است! امام(ره) هم اعتنایی به حرف آن‌ها نکردند و به حمایت از اقدام دانشجویان پرداختند.»

> دکتر منصوری: اخیراً یک پژوهشگر آمریکایی، ضمن بررسی تحولات قرن بیستم، انقلاب اسلامی ایران و تسخیر لانه جاسوسی را سرآغاز یک دوران جدید در تاریخ معاصر دانسته‌است. به نظر من این تحلیل درستی است. تسخیر لانه جاسوسی، اقدامی نبود که فقط در راستای اعتراض به برخی سیاست‌ها انجام گرفته باشد؛ این اقدام، اعتراضی صریح و بی‌واهمه به ساختار سلطه بین‌المللی و تفکرات استعماری آن بود

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شهرداری طرقبه در نظر دارد مناقصه عمومی عملیات خرید آسفالت به شماره ۲۰۰۰۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۱۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید؛ کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
-تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۰/۰۸/۱۱ می باشد.
-مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت ساعت ۱۹ روز پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۸/۱۳
-مهلت زمانی ارسال پیشنهاد ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۴
-زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۲:۳۰ روز سه شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۵
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: طرقبه، بلوار معلم، ساختمان شهرداری، امور قراردادها تلفن ۰۵۱۳۴۲۲۵۸۴۴ واحد عمران تلفن ۰۵۱۳۴۲۲۳۸۳۳
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل تأمین کننده/مناقصه گر" موجود است.
روابط عمومی شهرداری طرقبه
۱۴۰۰۴۴۱۷۶/ش

آگهی مزایده عمومی واگذاری و مدیریت امور آرامستان شهر قوچان

شهرداری قوچان در نظر دارد به استناد مصوبه شماره ۱۲۲/ش مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ شورای اسلامی شهر قوچان و ماده ۱۳ آیین نامه مالی شهرداری ها ، نسبت به واگذاری و مدیریت امور آرامستان (باغ بهشت) به شرکت های حقوقی واجد شرایط که دارای گواهینامه تایید صلاحیت و رتبه بندی شرکت های خدماتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی که دارای سوابق معتبر و امکانات مکفی قابل قبول در زمینه فوق باشد، مزایده شماره ۵۰۰۰۰۹۱۱۶۳۰۰۰۰۲۰ که از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir برگزار می گردد. زمان انتشار در سایت: ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۰/۸/۱۳
مهلت دریافت اسناد از سایت: ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۲ لغایت ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۹/۱
مهلت ارائه پیشنهاد در سایت: ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۰/۸/۱۳ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۱
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۱
زمان بازگشایی : ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۳ زمان اعلام برنده: ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۴
قیمت پایه سالانه مبلغ ۴/۱۲۳/۸۰۰/۰۰۰ ریال مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۲۰۶/۱۹۰/۰۰۰ ریال
- سایر اطلاعات در اسناد مزایده درج گردیده است.
اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و ارائه پاکت های الف: آدرس خیابان ولیعصر (عج)، ساختمان مرکزی شهرداری قوچان، دبیرخانه شهرداری و تلفن ۰۵۱-۴۷۲۱۷۳۰۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/ پروفایل تامین کننده/ مزایده گر" موجود است
۱۴۰۰۴۴۱۲۰/ش

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت الماس تابناک کیش (سهامی خاص)

الماس تابناک کیش
شرکت بازرگانی و سرمایه گذاری

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که راس ساعت ۹ صبح روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۷ در محل قانونی شرکت برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱- تغییر نشانی شرکت
۲- اتخاذ تصمیم برای سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد
هیئت مدیره شرکت الماس تابناک کیش
۱۴۰۰۴۴۳۵۳/